

گفتمان فرهنگی برای احیای تصویر ایران



سید محمد کاظم سجادی‌پور



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

۱۳۹۵

سروشنامه

Sajjadjpour, Seyed Mohammad Kazem - ۱۳۳۴ - سیدمحمد کاظم، سجادپور :

عنوان و نام پدیدآور

گفتمان فرهنگی برای احیای تصویر ایران / سیدمحمد کاظم سجادپور.

مشخصات نشر

تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵

شناسه افزوده

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات | مشخصات ظاهری | : ۱۳۳ ص.

شابک

: ۹ - ۱۱ - ۴۵۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

| وضعیت فهرست نویسی | قیفا

موضوع

: سیاست فرهنگی - ایران

: Cultural policy - Iran

موضوع

: تبلیغات ضد ایرانی

: Propaganda, Anti-Iranian

موضوع

: روابط بین‌المللی و فرهنگ - ایران

: Intenational relations and culture - Iran

موضوع

: ۱۳۹۵ ۳ ع/ ۶۵ DSR

رده‌بندی کنگره

| رده‌بندی دیویی | : ۰۰۴/۹۵۵

شماره ثبت کتاب ملی : ۴۴۹۹۳۰



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



گفتمان فرهنگی برای احیای تصویر ایران

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

نویسنده: سید محمد کاظم سجادپور

ویراستار: خاطره بخشنده

صفحه آرا: یحیی نشتالی

طراح جلد: حسین آذری

نوبت چاپ: اول - آذر ۱۳۹۵

شمارگان: ۵۰ نسخه

قیمت: ۱۵۰/۰۰۰ ریال

شابک: ۹ - ۱۱ - ۴۵۲ - ۶۰۰ - ۹۷۸

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.

در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پانین تر از میدان ولیعصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳ دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@ricac.ac.ir

اثر پیش‌رو نتیجه تحقیقی است که با نظارت دکتر اصغر افتخاری

در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات انجام شده است.



فهرست مطالب

۹	مقدمه
	فصل اول - ایران هراسی درآمدی نظری
۱۹	۱. برساختگی
۲۰	۱ - ۱. عامل اسانی
۲۲	۱ - ۲. دوگانه هویت / صنعت
۲۴	۱ - ۳. واقعیت / مجاز
۲۷	۲. گفتمانی بودن
۲۸	۱ - ۲. نظام منسجم معنایی
۳۱	۲ - ۲. اقناع / اجبار
۳۱	۳. متنی بودن ایران هراسی
۳۲	۱ - ۳. متن فرهنگی
۳۳	۲ - ۳. متن سیاسی
۳۳	۳ - ۳. متن استراتژیک
۳۴	۴. نتیجه گیری
	فصل دوم - ریشه ها علل و انگیزه های ایران هراسی: چارچوب فرهنگی و تطورات تاریخی
۳۸	۱. متن برساخته تاریخی و تطور ایران هراسی بر بستر تاریخ
۴۱	۲. متن برساخته معاصر
۴۲	۱ - ۲. انقلاب هراسی

۴۲	۲-۲. دین هراسی
۴۳	۲-۳. اسلام هراسی
۴۴	۲-۴. شیعه هراسی
۴۵	۲-۵. غیر غرب هراسی
۴۸	۳. هویت نخبگان ایران ستیز
۵۱	۴. نتیجه گیری

فصل سوم - کنش گران در حوزه ایران هراسی

۵۶	۱. ملاحظات کلان
۵۷	۱-۱. سیال کنش ایران هراسی
۵۹	۲-۱. کنش تبلیغی ایران هراسی
۶۱	۳-۱. انواع ایران هراسی
۶۵	۲. روش شناسی ایران هراسی
۶۶	۱-۲. گزینش گرایی
۶۷	۲-۲. ساده سازی
۶۸	۳-۲. برابر سازی
۶۹	۳. کنش گران ایران هراسی
۷۰	۱-۳. دولت ها
۷۳	۲-۳. بازیگران فراملی
۷۵	۳-۳. بازیگران فروملی
۷۷	۴. نتیجه گیری

فصل چهارم - راه کارهای مقابله با ایران هراسی: سازوکارهای شناختی و اجماع نخبگان با نگاهی بر سند چشم انداز

۸۵	۱. قدرت منطقه ای شدن ایران
۹۲	۲. الگو شدن در منطقه

۳. ایران هراسی و تاثیر آن بر اهداف سند چشم‌انداز ۹۴
۴. نتیجه‌گیری ۹۶

فصل پنجم - راهکارهای مقابله با ایران هراسی: سازوکارهای اداری و عملیاتی

۱. الگوی چندبعدی با محوریت گفتمانی فرهنگی ۱۰۲
- ۱ - ۱. ایجاد اجماع در سطح ملی ۱۰۲
- ۱ - ۱. نقد گفتمان‌های ایراستیزانه و ایران‌هراسانه ۱۰۴
- ۳ - ۱. ارائه اطلاعات درست و تصویری واقعی ۱۰۶
۲. سیوهای عملی و راهکارهای عملیاتی ۱۰۹
- ۱ - ۲. راهکارهای اجماع ساز ۱۱۰
- ۲ - ۲. بررسی نقش نهادهای فیت اجرایی ۱۱۳
- ۳ - ۲. گفتمان ساز ۱۱۶
۳. نتیجه‌گیری ۱۲۰

فصل ششم - جمع‌بندی؛ الگوی فرهنگی: راهکارها با ایران هراسی

- جمع‌بندی؛ الگوی فرهنگی مقابله با ایران هراسی ۱۲۳
- منابع ۱۲۹



مقدمه

ایران در طول تاریخ متفاوت بودن را به تمام دنیا نشان داده است و این موضوع موجب برانگیختن تحسین و یا بغض برای این کشور شده است. بسیاری به ایران، فرهنگ و تاریخ ایران علاقه نشان می‌دهند و بسیاری هم ابراز تنفر می‌کنند، بازتاب این امر تا بدان جا است که در آثار گذشتگان نیز برداشت یکسانی درباره ایران نمی‌توان یافت. این تمایز برداشت از مفهوم، فرهنگ و سیاست ایرانی ریشه انشعابی از تصریرپردازی ادیان است که می‌کوشد ایران را در پیوند با ضدارزش‌های جامعه جهانی قرار دهد. این فرایند امری است که تلاش می‌شود با «مفهوم ایران‌هراسی» معرفی شود.

ایران‌هراسی مفهومی است که می‌کوشد تا با ایجاد احساس تهدید، مخافت یا دشمنی با سیاست‌ها، فرهنگ، جامعه، اقتصاد یا نقش بین‌المللی، ایران را به مثابه تهدید ترسیم نماید و همچنین به شرایطی اشاره می‌کند که طی آن برخی می‌کوشند تا بی‌اعتمادی، نفرت، انزجار، حسادت، تبعیض، تعصب، نژادپرستی، ترس یا بیزاری نسبت به حکومت و ملت ایران را به عنوان یک ساختار سیاسی در کنار گروه نژادی، قومی، زبانی و مذهبی را در جهان بگسترانند.

در معنای سیاسی و با نگاه به نظام بین‌الملل نیز این مفهوم را می‌توان به سیاست‌هایی اطلاق کرد که با اتکا به آنها افراد، گروه‌ها و یا کشورهایی به منظور دستیابی به منافع خود علیه ایران اتخاذ کرده تا از درون تبلیغات خود با معرفی این کشور به عنوان تهدیدی برای خود و یا تهدیدی برای صلح بین‌المللی به این منافع دست یابند.

جدای از نقطه اتکای برداشتها و مفاهیم ارائه شده از ایران‌هراسی، باید توجه داشت که این مجموعه شامل دو موضوع مشترک است. نخستین نکته اشتراک آنها ضدیت با ایران و تصویرپردازی منفی از این کشور است و نکته دوم، موضوعی است که به بستری که این مفهوم در آن جای می‌گیرد، باز می‌گردد. ایجاد هراس، تصویرهای منفی و ترس در جهان معاصر که قدرت امری سیال گشته، بدل به ابزار اعمال قدرت گشته است چرا که با گسترش و پیچیدگی مناسبات اجتماعی و سیاسی در جهان معاصر و شکل‌گیری گونه‌های مختلف اعمال قدرت، تنها با تنوع ابزارها و منابع قدرت افزوده، بلکه به شیوه‌های اعمال قدرت نیز تکرار بخشیده است. از این جهت در عصر حاضر که عصر رسانه و ارتباطات است، رسانه‌ها نیز تبدیل به یکی از ابزارهای دست‌ها برای اعمال قدرت خود شده‌اند. این ابزار، سازوکار پیچیده‌ای را برای اعمال قدرت به وجود آورده که هسته اصلی آن بر کنترل و شکل دهی به افکار عمومی استوار است.

امکان کنترل رفتار انسان و گروه‌های انسانی از طریق جهت‌دهی به افکار آنها موجب گشته تا صاحبان ابزار کنترل افکار جمعی بتوانند به گونه‌ای بر اثر اراده خود را بر مخاطبان خود تحمیل کنند. بهره‌گیری از رسانه برای اعمال قدرت و کنترل رفتار و مناسبات اجتماعی امروزه به حدی گسترش یافته است که باید رسانه را مؤلفه‌ای از قدرت سیاسی جوامع مدرن تلقی کرد. مؤلفه‌ای که می‌تواند با تصویرسازی‌های متنوع خود، جریان قدرت را در جوامع ملی و حتی فراتر از آن یعنی در سطح بین‌المللی تغییر داده و کشوری را محبوب یا منفور افکار عمومی گرداند. از این جهت است که می‌توان گفت ایران‌هراسی به عنوان پدیده‌ای که آثار خود را در سطح افکار عمومی برجای می‌گذارد، در پیوند نزدیکی با رسانه‌ها و فرایندهای

شکل‌دهی به افکار عمومی قرار دارد.

ایران‌هراسی به عنوان یک پدیده در روابط بین‌الملل ریشه در تصور ایجادشده از اهداف و اعمال ایران به عنوان بازیگری بین‌المللی، چه در منطقه و چه در جهان دارد. این تصور نیز بیش از آنچه ساخته مجموعه رفتارهای واقعی ایران باشد، تصویری است که برای افکار عمومی ساخته و پرداخته می‌شود. تصویری که در ذات خود، تهدیدکنندگی ایران و دشمن‌آفرینی این کشور را القا می‌نماید. امری که به انحای گوناگون می‌تواند بر روابط دو یا چند جانبه کشور تأثیر گذاشته و در مواردی به ایجاد مشکلاتی در عرصه روابط خارجی ایران بینجامد.

اهمیت این مسئله زمانی آشکار می‌شود که از نگاه تصمیم‌گیری سیاست خارجی به آن نگریسته شود. مفهوم‌نوی در این بحث «تصور» است. امری که اکنون به‌بخش جدانشدنی از زندگی ملی و بین‌المللی تبدیل شده و در پیوندی عمیق با مسائلی همچون امنیت و بقای کشورها قرار گرفته است. اهمیت این موضوع تا به آنجاست که می‌توان ادعا کرد بسیاری از جنگ‌ها به دلیل تصورات نادرست از یک کشور آغاز شده است، تصوراتی که بعدها مشخص شده است با واقعیت فاصله بسیاری داشته‌اند.

با اتکای به این ادعا می‌توان گفت که ایران‌هراسی که به نفعی به تصورات نادرست از ایران باز می‌گردد، ابعاد راهبردی و عملیاتی جدی در سطوح گوناگون روابط خارجی کشور دارد به گونه‌ای که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. از این‌رو شناخت علل و اهمیت آن برای تأمین منافع کشور جزء مسائلی است که باید در اولویت قرار گیرد. از سوی دیگر نگاه از زاویه منافع ملی نیز، نشان می‌دهد که پیامدهای منفی این پدیده غیرقابل انکار بوده و از این‌رو است که راه‌های مقابله با این پدیده از اهمیت فراوانی برخوردار است. این امر موجب شده است تا موضوع ایران‌هراسی تبدیل به یکی از سوژه‌های موردتوجه مراکز پژوهشی و اتاق فکرهای داخلی شود. از این جهت است که نه تنها به‌سادگی نمی‌توان اهمیت موضع را انکار کرد، بلکه آثار و پیامدهای مترتب بر آن را نیز نمی‌توان نادیده گرفت.

با توجه به آنچه که به آن اشاره شد، این کتاب تلاش دارد تا از یک سو به بررسی علل، اهداف و انگیزه‌های ایران‌هراسی بپردازد و از سوی دیگر با توجه به این شناخت، سازوکارها، ابزارها و راهکارهای مقابله با ایران‌هراسی را ارائه دهد. این کتاب با تمرکز بر موضوع ایران‌هراسی می‌کوشد تا از یک سو تأثیرات منفی این پدیده بر دستیابی به اهداف راهبردی کشور مندرج در سند چشم‌انداز بیست ساله ایران ۱۴۰۴ را بررسی و از سوی دیگر الگو و سازوکارهایی را به منظور مقابله با این تأثیرات منفی مطرح نماید. به این منظور این پرسش که «ایران‌هراسی چیست و چگونه می‌توان با آن مقابله کرد؟» در کانون توجه این پژوهش جای دارد.

این به عنوان فزاینده اول پژوهش در نظر گرفته می‌شود که ایران‌هراسی، به عنوان بخشی از پروژه اسلام‌هراسی پدیده‌های چندوجهی است و دارای ریشه‌های تاریخی و تداومی در طی زمان بوده است. این پدیده به صورت ساختاری، نتیجه گفت‌وگوهای حاصل از رابطه قدرت ایران با سایر قدرت‌ها بوده و با تصورات بسیاری از متقابل پدید آمده است. ایران‌هراسی یک دست نبوده و در گذر زمان تغییراتی را به خود دیده که نشان دهنده این است که صرفاً ساختاری نبوده و نقش کارگزاری ایران در نشان پرازی و تصویرسازی‌ها در آن موثر بوده است. عناصر موثر در تصویرسازی‌ها علیه ایران نیز متشکل از اختلافات تاریخی - هویتی ایران با سایر جوامع و خاص‌گرایی در فرهنگ ایرانی است. رابطه با آن نیز در ایجاد پیوند میان نخبگان سیاسی - فرهنگی، ایجاد سازوکارهای اداری و اجرایی و برنامه‌های عمل به صورت میان‌مدت و عکس‌العملی است.

این فرضیه از یک سو و ماهیت پدیده ایران‌هراسی از سوی دیگر زمان می‌دهد که این موضوع، دارای زوایا و ابعاد گوناگونی است که در حوزه‌های مختلف چشم‌انداز بررسی و ارزیابی است با این وجود از آنجا که ایران‌هراسی، موضوعی است که تکیه‌گاه اصلی آن بر ایجاد تصورات خاص درباره رفتار جمهوری اسلامی ایران است، ساختار نظری این پژوهش به گونه‌ای باید سامان گیرد که بتواند ابعاد مختلف این پدیده را تحت پوشش خود قرار دهد. از این رو تلاش شده است تا با تکیه بر تحلیل گفت‌وگامانی و با استفاده از نگاهی میان‌رشته‌ای

چارچوبی را ارائه کرد که بتواند فرهنگ، روابط بین الملل و مباحث راهبردی و امنیتی آن را در خود جای داده و با اتکای به آن، پدیده ایران هراسی مورد توجه قرار گرفته و آثار و پیامدهای آن برای منافع ملی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد.

بدین دلیل که نظریه گفتمان به بررسی نقش اعمال و عقاید اجتماعی معنادار در زندگی سیاسی می پردازد، می تواند به بستری برای تحلیل پدیده ایران هراسی بدل گردد. این نظریه روشی است که نظام های معنایی که چگونگی آگاهی یافتن افراد را تعیین می کنند را مورد تحلیل قرار می دهد و به تجزیه و تحلیل شیوه تاثیرگذاری این نظام های معنایی یا گفتمان ها بر فعالیت های سیاسی می پردازد. در بستر چنین تصویری از گفتمان می توان از پیوند میان فرهنگ و روابط بین الملل در چارچوب پدیده تصویرسازی بین المللی و پیوند میان مطالعات راهبردی و روابط بین الملل نیز در تعامل میان ساختار و کارگزار در تعیین اهداف سیاست خارجی به الگوی تحلیلی دست یافت که به روشنی می تواند پدیده ایران هراسی را به عنوان گفتمانی مؤثر علیه ایران تحلیل کرد. این منظور تلاش می شود گفتمان تولیدکننده و بازتولید کننده ایران هراسی با استفاده از نظریه های سازه انگاری تحلیل شود و با اتکا به این تحلیل چگونگی ایجاد تصاویر از ایران در عرصه بین المللی روشن و تاثیر آن بررسی شود. لازم به توضیح است با توجه به ماهیت این پژوهش تلاش می شود با استفاده از رابطه ساختار - کارگزار، سازوکاری ایجاد گردد که بتوان با استفاده از این نقش عامل بازیگر انسانی را ایجاد گفتمان ایران هراسی شناخت.

با وجود پرداختن به شناخت ایران هراسی، این پژوهش در شناخت متغیر متغیر نشده و بر آن است تا شیوه های پاسخ و کنش متقابل جمهوری اسلامی ایران را نیز ارائه نماید. آنچه در ادامه با عنوان الگوی فرهنگی گفتمان ایران محور در مقابله با ایران هراسی معرفی می شود، راهکاری است که برپایه های یافته های کتاب پیش رو ارائه شده است. در راستای اجرای این الگو نیز در سه بحث ابتدا به شیوه های ایجاد اجماع میان نخبگان و افکار عمومی پرداخته شده، سپس ظرفیت و توان جمهوری اسلامی ایران برای اجرای این الگو ترسیم شده است.

و در نهایت شرایط ایجاد گفتمان فرهنگی مقابله با ایران‌هراسی بحث و بررسی خواهد شد. در مجموعه بحث‌های مرتبط با گسترش گفتمان‌ها، به گزاره‌هایی که در چارچوب الگوی فرهنگی مقابله با ایران‌هراسی توجه شده است، در دو قالب نقد گفتمان‌های ایران‌ستیزانه و ایران‌هراسانه و دوم، ارائه اطلاعات درست درباره ایران طرح شده‌اند. همچنین اشاره شد که این مفاهیم باید در بستر تعاملات میان دولت ایران و افکار عمومی منطقه و با استفاده حداکثری از توان ظرفیت داخلی در این راستا استفاده شود. مجموعه این مفاهیم و سازوکار در کنار یکدیگر، شکل‌دهنده به الگوی فرهنگی گفتمان ایران‌محور در مقابله با ایران‌هراسی است. آنچه ارائه شده، چارچوبی کلی از محتوای آن چیزی است که در ادامه خواهید خواند. بی‌گمان الگوی ارائه شده در این کتاب، الگویی کامل و نقد ناپذیر نیست. این کتاب حاصل پژوهشی است که در یک سال به انجام رسانده و همچنان باور دارد که تداوم این کار می‌تواند ابعاد گسترده‌تری به خود گیرد. از این رو نویسنده بر خود واجب می‌داند تا پذیرای انتقادهای و پیشنهادهاى صاحب‌ظران به منظور روزآمد و مؤثرتر کردن این الگو باشد. در انتها لازم است از تلاش‌های آقای مهدی راده‌علی که در تدوین کتاب با اینجانب همکاری داشته، همچنین پژوهشگاه فرهنگ، ارتباطات به ویژه سرکارخانم خاطره بخشنده که هماهنگی‌های اجرایی انجام این پژوهش با پژوهشگاه را بر عهده داشتند، سپاسگزاری نمایم.

آذرماه ۱۳۹۵